

# نویسندگان

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم - شماره ۵۱ - شنبه ۲۲ مهر ۱۳۵۷

## مسأله برسر میزان پیروزی جنبش است

اوج گیری بی سابقه نیروهای جنبشی در سراسر کشور در میان کلیه طبقات و اقشار طبقاتی، در حالی که تظاهرات سیاسی روزی گسترده مردم با کوهی خیره کننده و در میان امواج خون و دود و باروت با به پای آفتاب، بحران عمیق و انفجاری رژیم شاه را به آن مرحله که دیگر ادامه آن با شکست قطعی کمونیست مقهور نیست، رسانده است. جنبش میلیونی بوده که، استخوان های درختان توری محض به امیرالاسلام رومی شکفته برای دموکراسی راه می کشد. در این حال دیگر مسأله برسر پیروزی یا شکست جنبش نیست، مسأله برسر حد و مرزهای پیروزی است. چرا که برگشت به اوضاع و احوال گذشته با توجه به زبور و زخم موازنه نیروهای دیکتاتور و ضد دیکتاتور است. زبور و زخم موازنه نیروهای طبقاتی و اجتماعی، و بران شدن بسیاری از قالب ها و غشی شدن بسیاری از شیوه ها و حکومتی گذشته، شکسته شدن نظام سیاسی و روحانی که مدت های مدید اساسات و اراده ملی را مضمون کرده بود، دیگران همزه هم دشوارتر است. اینک در میانه آن لحظه شکر فراموشی است که نشین، آژورگار بزرگ انقلابی آن را آستانه انقلاب می خواند و با این مشکلات آن را در " قانون اساسی انقلاب های جهان مدرنی می کند:

برای انجام انقلاب کالی نیست کسبه زده های استعمار زنده و سطح زده های عدم امکان زندگی به شیوه قدیم پس برسد و خواستار دگرگونی آن باشد.

برای انجام تحول انقلابی لازم است کسبه که حکومت کنندگان نیز نخواهند بود، سابق، حکومت کنند: با جنبش " هاستاد به زندگی به روال کهنه نخواهند و با لایحه ها ادامه گذشته را نخواهند. این طبقات را به صورت دیگر می توان چنین بیان کرد: انجام انقلاب بدون بروز بحران همه گیر و دموکراسی و

## رهنمودهای جنبش اعتصابی

"اعتصابات گسترده، جلوه ای است از یک شرایط ویژه... وجود وضعیت انقلابی، ریشه بحران انقلابی به طور مستقیم ... کشین"

اعتصابات جنبشی که به دنبال کودتای نظامی شاه - اومسی - موج آزادی، برخواست، در واقع نوعی مقابله و عکس العمل مردم در برابر برآوردن تمهیل شده حکومت نظامی بود. مردمی که چند روز پیش از کودتای، با تظاهرات سیاسی به چهار میلیون نفری - که در تاریخ همین ماه باقی ماند - برخواستند، با تظاهرات و تظاهرات، شیوه و شکل مبارزه خود را تغییر دادند و سر دیکتاتور را تبدیل به اعتصابات روزی کردند. بدینسان از همان آغاز مشهود بود که جوهر اصلی و هدف نهایی اکثریت نزدیک به اتفاق اعتصابات جنبشی و مطالباتی، منجر مقاومت و مبارزه است و به همین دلیل جنبش سیاسی این اعتصابات فرا تری فاشی تر از جنبش اعتصابی است. (این واقعیت را اگر این های سیاسی روز افزون و وسیعاً رو به گسترش است که به در پی جنبش تظاهراتی، تا شید نمود.) اما در این حال مستحضران اعتصابی اعتصابات که خود به نحو غیر مستقیم و به طرز دیگر ریخته سیاسی داشتند - از اهمیت طبقاتی و عد استخاری آن حکایت می کرد. هم این وجه مد استخاری و طبقاتی و هم آن جنبه سیاسی آشکار و مبارزه جوان به نشان داد آنها که جنبش را سراسری میهن ما را بر ما مذهب می خوانند و خواست های آن را منحصر به این عرصه می دانند. تمام سیاسی و اهمیت را در نظر نمی گیرند. پس آن که نقش مذهب و آرمای های مجاهدت آمیز آن را در جنبش سراسری مردم انگارند. تاگزیر روی این نکته باید به توقف کنیم که نفی نقش طبقاتی و اقتصادی سازمان ها و گروه های غیر مذهبی در جنبش دموکراتیک ضد امپریالیستی میهن ما و مسترد زده به سینه آن ها و وحشی گوشت برای دور کردن آنها از صحنه مشترک مبارزه، به واقع حاکم در این مبارزان مذهبی، با مبارزان غیر مذهبی، تفرقه انداختن در میان تمامی نیروهای ملی و دموکراتی است که به اعتصابی طبیعت و خواست های خودیست جنبش ملی و دموکراتیک مردم پیوسته اند و فعلاً لایحه در آن شرکت دارند. چگونه می توان شعار را دانشو بان و استادان دانشگاه ها و بسیاری از محصلین را که آزادی زنداسان سیاسی و لغو حکومت نظامی در راهی آن فرار دارند، خواست کارگران با ریس اکثریت و هزاران کارگر دهمیها - واحد تولیدی دیگر را که طبقاً سیاسی و علمیه رژیم اختیاری است. صدای کارگران و کارمندان و رها سرت را که علیه شرکت امپریالیستی مل و سلطه چپا و لگرا این شرکت امریکایی و حقوقی های ده ده رزنامی هزاران کارمند امریکایی آن در ایران برخواستند، خواست وسیع کلیه اجزای سازمان های سیاسی را که خواهان استقلال ایران، سرچیدن بیاطاعت حکومت مطلق، اخراج ده ها هزار کارکنان و مستشاران و تکیه بر همه

## بحران در مراکز تبلیغات سیاسی و ایدئولوژیک رژیم

مبارزه اعتصابی کارگران و کارکنان و نویسندگان و غیره در میان روزنامه ها و اطلاعات و کتب و آیدئولوژی که به تعطیل رفت و بی سابقه این روزنامه ها منجر است. از دو نقطه نظر متفاوت کار تبلیغاتی سیاسی است:

۱- افشای هرچه وسیع و برهان ادعای صفا و نیا بیات رژیم در باره آزادی و لغو سانسور و رعایت اصول دموکراتیک

۲- بروز بحران در بهترین با یگانها و مراکز تبلیغاتی سیاسی و ایدئولوژیک رژیم

اعتصاب مطبوعات در فراهی آغاز شکست دولت به اطلاع آشنی ملی که روی چنگه های حکومت نظامی استاده و با ولایتی خواری و سیری بنا پذیر از خون گوشت شهیدی راه آزادی می خورد، بسا های وهی و بریده های گوشه خراش، خوردن آزاد کنند مطبوعات و بشکنده انواع آزادی های معرفی می کرد و در گفتارها حد افراط آزادیخواه و در کردار برسر با دارنده درباری خون خردان شهید، با بیسان نظام آباد، خیابان خوش، خیابان شاهرا و گروه ها و خیابان های دهها شیردیگر و زندان سیاسی و هزاران مبارز شسته راه آزادی و حقیقت است و عدالت ...

غرض اعتصاب و نحوه آن حالتی سبیلک داشت:

یک برهنگ و یک سوگرد فرمانداری نظامی بسا اطمینان و ارضیات های تحریریه روزنامه ها می شوند و از نویسندگان و خبرنگاران می خواهند تا سیاسی اخبار و گزارش ها را پیش از چاپ از نظر آیدئولوژی سبکدارند. نویسندگان و خبرنگاران به جای پاسخ قلم های خود را طبق نظام میان تا سانسور بر سر بند و بلافاصله کارگران فنی و دربی آنها کارکنان آداری روزنامه ها به نویسندگان و خبرنگاران اعتصابی می پیوندند. پس این تحریریه دولتی که با یگانها را پذیرای می میدان آمده بود، آن آزادی را که آن هنگام از آن دم می زده در محصل تفسیر کرده، او هنگام راه مقابله با فلسفم فرستاد، چرا که رژیم های مطلق به طغیان بیش از قلم و به دزدیم و چنگه پوی بیش از نویسندگان و قلم و نگارنما زندند و اصولاً با هر قلم و قلمی که نخواهد برده و تسلیم معنی باشد، نمی توانستند آشتی داشته باشند.

با سانسور در هر جا که طبقاتی با زبان برآیست و معنایات اقتصادی و در واقع نوعی سیاست است. برای رژیم به هر چه اقتصادی، نیروهای

خونریزی راه شکنان و خلفان انداخته و در فرصت سیاسی برپا به کشان واقفیت زنده و جعل واقفیت های دلخواه استوار است، ما سانسور جزئی جدا شدنی از ماهیت هستی است. رژیم شاه که همیشه عطا به نوعی ما سانسور را دارنده اقتصادی و سیاسی است، در عرصه روحانی که مطبوعات بخشی از آن است، جزئیات تحمل به ما سانسور پیرویه جنبش خواند زنده به ما سانسور را می و با هر رنگ و شکل جزایسین خود زبور دیگری است. تا وقتی این رژیم کشیده، فدرالی و فدرالیزم دیکتاتور و سانسور سبک چون ماهی و هزار تنوم آن وجود خواهد داشت. روزنامه های ایران تقریباً طی همه طول حیات خود زیر سانسور دولتی و با تهدید مستقیم و غیر مستقیم در خدمت ارباب حکومت در جهت تعطیل مردم، مطلق طبیعت و واژگونگی جلیسو دان و اطمینان و تحریریه و شکر ایندیشه ها و باورهای سیاسی و اجتماعی کشیده اند. اینها یگانهای دروغ و آفتابهای سیاسی و ایدئولوژیک رژیم، به عطا به بخش مهمی از ماهیت و طبیعت نظام اقتصادی عمل کرده اند. اینک در نتیجه زلزله بحران عمیق و همه جانبه ای که حکومت را فرا گرفته، این با یگانها و سانسور های استوار و سبک در حال لرزیدن در فرورفتن است. این معنی می رسد که بحران حکومتی خواه اندازه ژرف و گسترده و فزاینده کنترل است. پس از شکاف و بحران سیاسی و اجتماعی و اعتصابی مقاومت به انحاء و هیوسه های متضوع، در ارتش یعنی مهم ترین دولت استبدادی بروز کرده و طبیعت های دانشه دار، شکارهای سیاسی سربازان، درجه داران و فرمان فرمایان و مین برست و چرای مقررات ویژه امنیتی در پادگان ها انجام مید. اعتصاب روزنامه ها یکی از دموکراسی براراده تحصیل شده و وسطه رژیم وسیع و چارچی آن بودند. دره معنی است که زلزلای آن باز شده است ...

ما محاسبان کل خود را از خواست های ما لایحه و آزادیخواهان کارگران، کارمندان، نویسندگان و خبرنگاران اعتصابی اعلام می کنیم و مطمئن هستیم که در جبهه مبارزه با یگانگی و پیوند درونی خود به عنوان بخشی از جنبش عمومی ملی و دموکراتیک مردم ایران موفق به شکستن سانسور، این شوم ترین و فدیورمی ترین مرتبه اختیاری رژیم فدرالی و فدیوکراتیک خواهد شد.

## اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

### در اعتراض به جنایات اخیر رژیم

کلیه زندانیان سیاسی زندان کهر در محاصره دژهایمان و فراوانن مسلم شاه از صبح روز پنجشنبه ۲۲ مهرماه یک اعتصاب غذای سیاسی یک فضیله ای را آغاز کرده اند. این فرزندانی دلبیور و درنده طریقی های ایران دلیل اعتصاب غذای خود را همبستگی با مبارزات انقلابی مردم ایران، اعتراض و محکوم کردن جنایات و کشتارهای اخیر رژیم و گروا مسمی داشت خاطر شهیدی غیر طبقی اعلام کرده اند.

گزارش های رسیده از پیوستن زندانیان دیگر که کتکها و محاربه ها و رژیم به اعتصاب نگه می دارند زندانیان سیاسی کهر حکایت دارد.

ما از همه آزادیخواهان ایران دعوت می کنیم که ضمن پیوستن به اعتصاب غذای این شریف ترین دلاوران ایران، با تک ریسای اعتراضی آنان را به گوش جهان بیان برسانند.

## با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

### رهنمودهای جنبش اعتصابی

نظام و تحولات بنیادی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستند، شما رمدها کارگران پرجمعیت سندیگاها و اتحادیه های دولتی استقلال سازمان قلابی و سایر کارگران حق تشکیل اتحادیه ها و سندیگاها و تشکیل های صنفی را طلب می کنید و ده ها مداوخواست و تظاهرات اسیل دیگر را که به آنها مختلف ابراز می شود هر یک جزئی و گوشه ای از مبارزات صنفی و سیاسی اوج گیرند و پررغبتی را تشکیل می دهند که با پیوستن به هم به جنبش انقلابی میهن با شکل نمال سراسری پیوسته اند همه و همه رانده می شوند اعلام کرده شما غربی، مبارزاتی، جریان مذهبی است و فشاری جزایی، از طرف دولت و عوامل آن به جنبش راه یافته است. چنین سیاستی به هر میزان که موفقیت و نفوذ کسب کند، به همان اندازه جنبش آزادی خواهانه و فدا میربا لیستی میهن مارا تضعیف می کند و آندام های متنوع آن را از کار می اندازد و یک کم اثر می کند. شما را هداوخواست ها و تظاهراتی که قابل اجرا و از نقطه نظر جنبش ملیت تراست که از شرایط عینی جامعه بسر غا شده باشد و راه تحول عینی و ذهنی را هموار کند، نه این که در برابر ضرورت های عینی سنگ بیندازد و با انکار و حتی تخریب این ضرورت ها، به جنبش مردم ریان برساند. در شرایطی که مردم ما با تمام قوا، در میان درباری از خون شهیدان و هزاران خودگردان نبرد می آید، آن ها هستند، در برابر سلسله فدایی که تا امروز استخوان فاسد و خندان منحل است و به سازمان ها و امکانات ضد انقلابی و ضد مردم در آمد ۲۰ میلیون ریال نفیست و هزاران رشتی، مرثی و نا مرثی امیربا لیست و ارتعای کهن تکیده دارد. اسلحه ای برنده تر از اتحاد عمل و پیوند هم جوشی با خود ندارند. هر قدر این یگانگی - که در عمل تاگزیر و پیوسته در در حینه سیاسی در گذار ناشد و در گذار از تکذیب میباید - تحقق یابد، به همان اندازه ریان فاجعنازی از صف سازمان های سیاسی کم و بیش خفته و مقهورات پیروزی آن نیرومندتر و امکان طریقه های یلک با و ارا و اردن با ضمانت سنگین بسر آن ها ضعیف تر می گردد. در چنین فضای است گسسته باید به ضرورت ها و آرزوهای ذهنی مبارزان آنها را تابع مقتضای عینی جامعه کرد. هر کس به هر شکل و در هر کسوت به این ضرورت ملی و وحشیانه اتحاد و اتفاق لطف براند، مسئول خون های است که چنین فایده ای ابراج آن را وسیع تر می کند و شرمش می چینی را که این همه رنج و خون و مرگ و آرزویان همراست با حال می کشند و در بهترین صورت این شرمشینی و نتیجه را به حداقل کاهش می دهد.

### جنبش اعتصابی میلیونی که چون توفان آریسی

توفان میهن ما را در می نوردد، ضمن آنکارا کردن ما بهت اصلی و جوهر جنبش انقلابی مردم، در حین حال به این جنبش خودمطای صمیم و گرانمایاری می دهد. رژیم می کشد و جنبش اعتصابی و رزمی را که با هیچ وسیله و نیرویی قابل کنترل نیستند، عیان صنفی و اقتصادی آن متوقف کننده و آزار و اذیت خوارت های مطالبانی آن به خواست های سیاسی جلو گیرد. و برای نامین بوده ای که به خیال خود با آن نتوانند سازمان اعتصابی را بفرود، نه رویارام نجومی برده ای تنظیمی از غرب امیربا لیستی و به ویژه آمریکا، و هزینه های سرام اورتلا و پولیسی و جاسوسی، بلکه روی اکثر سرنام ها و بوده ای می همرانی خط کشیده است. در حالی که در حدس روزتا معاصر پراسور ساواک، دولت در حال سر رقیم و وحشت انگیز و گامایی ساخته ای فرود ۱۰۰۰ ملیت دوتوما نگر پیوسته دارد، رادوی می. سی. سی. با تأدایسی محافل امیربا لیستی وابسته به آن، طی گفتگوترا خود خبر می دهد که وزارت مارجع انگلیسی و آلمان و فرانسه و نیز محافل آمریکایی اعلام داشته اند که در قرارداد های خرید تسلیحاتی با دولت ایران گسترش هتیرری داده نشده است. در جلسه هفته پیش هیات دولت تا کید شد که تصمیم نظر در خرید تسلیحاتی تسلیحاتی ای (میتاز ۳ میلیون دلار) به ملاحظاتی ضرورت های دفاعی حتی قابل طرح نیست. به این ترتیب شما صنفی که برای تا مین خواست های مطالبانی اعتصاب کنندگان و دیگر اقشار گسسته های اجتماعی زمینگشتی باقی می ماند، بودجه عمرانی مملکت است که حذف یا کاهش آن موجب از نسور انبارگیشته رادری خواهد داشت. در حالی که شما اعتصابات را به تولید راه حلهای اختیاری رسانده و با توجه به حجم پولی که با افرایبستر حقوقی ها دستمزدها و رادبا زاری خود نیز حسد برنا می های عمران پیش بینی یک تورم برق آسا و پیروزی کشنده از هم اکنون چندان دشوار نیست. آنچه را که دو لت با یک دیت می دهد، نفول تورم با دست دیگرها گذرگرفت. و در دست زمینگشتان آنچه خواهد بود، جز با دو هوا نخواهد بود. زندگی زمینگشتان با زهم فقورتر و مسا شبا آنها بیشتر و بی نصیبی شان از مواهی که دریا به یک سیاست ملی و ماستولیت، با بهره مندی از امکانات فاضله ای کشورها به گسیب میسر است، تسلسل نا پذیر نخواهد شد. بدینسان در شرایط کنونی برای زمینگشتان نتیجه نهایی نبردها لسانی حتی در صورت پیروزی کامل بسیار رقیب (اگر نتوانیم

### مساله بر سر میزای بیروزی

حداقل دست آوردهای خودمطور و انما انقلابی متوقف شود، در حالی که مین این "حداقل" و آن حداقلی که جنبش با این طول و عرض و عمق در شرایط مسا عنکونی داخلی و خارجی استحقاق نزدیکی به آن را دارد. فاصله زیادی است. صوم ترین عامل این بی نصیبی و با در دست شریکوتیم کم صمیمی رادرفضت سارمانی طبقات و اقشار ملی به طور عام و صنف نسبی سازمانی طبقه کارگر (که علاوه بر برهمنگیزی در صورت تحول انقلاب با نزدیک به ۶ میلیون جمعیت بزرگترین نیروی طبقاتی و اجتماعی ایران است) با به دست و جو کرد. خود ها ساگام های فرسنگی از اکثر ضرران خود بیست افتاد اند، جنبش خودیوی انقلابی با وصیتی که سابقه ندارد، بسیار رملوتر از سازمان های سیاسی در حرکت است و با استکرات طلبی الساعه - راه دشوار و پر پیچ و خم خود را می گشاید. انقلاب اصلی جنبش، نیروی خودیوی خودی است. از این رو قادر نیست شما می این نیرو را در دست های خود نگهدارد و در هر طریقی که می خواهد بسرو و آورد و آن را با قوه مانوردهی که شما از عهده رهبری سیاسی و تنظیمات سیاسی ساخته است، نیرومندتر و کامیاب تر سازد. ما رگشیم - این تنظیم می موزد که "هروم انقلابی منخره به انقلاب نیست - شود. انقلاب تنها در موفقیت بیروزی می کشد علاوه بر فراهم بودن اصولی که از قول لنین در سطور رفوق بر شمریم، با تحولات ذهنی همرا باشد، بهمنسی قابلیت طبقات انقلابی برای آن که عمل فاشوده انقلابی را به اندازه کافی قوی سازد، تا حکومت را در هم بکشد، یا مختل یا زنگنه شده باشد و اجرا که حکومت اگر به نیروی آگاهانه مردم واژگون نشود، حتی در یک دوره شدید بهرانی خطوط نخواهد کرد. وضع انقلابی به وسیله سیر عینی تکامل اجتماعی با عیادی خود هیچ انقلابی بدون چنین وضعی امکان پذیر نیست. اما برای این که انقلاب استوار گردد، طبقه انقلابی باید قدری عمل انقلابی را به منظور سرنگونی یا تحمیل بسردن حکومت تقویت کند - و برای این که طبقه با طبقات انقلابی قادر به اجرای چنین مکتبی باشد، باید سازمان سیاسی کاپتری را در اختیار داشته باشد که نیروهای پراکنده را که از شور و شور فردی با گروهی الهام می گیرند، تحت انگیزه های خود به خودی میدان مبارزه رانده می شود، در خود با گرداگرد خود جمع کند و به این ترتیب این نیروی های پراکنده، بی نظم و خودیوی را یکپارچه سازد.

اما اگر خواهان آن حداقلی نتیجه و بهره ای باشیم که جنبش با مکتبی جنبش انقلابی میهن ما استطاعت و استحقاق آن را دارد - و با به دست انقلابی ترین، بی گمترین و با لیکه ترین طبقه اجتماعی را بر میبازد، این بر زمین، طبقه ای که به سرشت خودم آزاد و بیوه ترین عمار حاکم و هم مستعدترین و سازش ناپذیرترین مبارزان طبقاتی را در خود دارد: با یک دست با استناد دو سلسله استقلالی که بافت شیوه روزی او و شما می جامعه است می ستیزد و با دست دیگر شیوه های هرگونه استثمار، هرگونه بی عدالتی و تبعیض، هرگونه ستم طبقاتی، ملی، مذهبی، جنسی و سیاسی را با پای می کشد. به هر میزان که وزن مخصوص طبقه کارگر که در حزب سیاسی خود متفکر شده در کل جنبش میهن سیاسی بیشتر باشد، به هر اندازه که عنصر کارگری در هر یک این جنبش بیشتر وجود داشته باشد، به همان میزان و اندازه بیشتر نزدیک شدن جنبش انقلابی به اتحاد کار خوارت ها و آرزوهای خود، بیشتر می شود.

پس اگر راه خواهد آمد، پس راهی باقی نمی ماند جز این که نبرد صنفی و اقتصادی به شریکهای پروا مند و همد جا نبه برای ریشه کن کردن رژیم ملی، چهار انگور وابسته ای که با پیش در هیچ شرایطی جز مصرومیت و گرسنگی و محنت و مشقت و استعجاب روحیانه برای زمینگشتان به بار نمی آورد تبدیل شود. این واقفگشتی است که از درون مبارزات اعتصابی گسترده زمینگشتان می جوشد و به ضرورت ضرورت اجتناب ناپذیری در می آید - و در بر تو این ضرورت که با بسیاری از ضرورت های دیگر همرا است شما زمینگشتان لطف به لطف با محتوای سیاسی بیشتری می آیزد. شما می زمینگشتان و با پیش آنها طبقه کارگر ایران با تجربه شخصی خودی آموزنده میدان اصلی پیکار گماست. آنها در می باشند که در مرحله نوین پیکار خویش باید مضمون حرکت و شعارها بر تان را با توجه به فضای عمومی مملکت و منافع ویژه طبقاتی و مبارزاتی خویش، تبدیل به حرکت ها و شعارهای سیاسی کنند و اعتصابات صنفی و با نتیجه سیاسی را به مبارزات و اعتصابات سازمان یافته، با خواست های مشخص سیاسی فرارویانند. لنین با کتبه بر تجربه جنبش های انقلابی عصر سرمایه داری و امپریالیسم، برانست که: بدون ایجاد تحول در نظریات اکثریت طبقه کارگر، انقلاب میسر نخواهد بود. چنین تحولی با تجربه سیاسی خودتو ده خواهد بود. می آید، نه تسلیمات و افتاکاری...

تا رنج نیشخندهای طنز آلودی در چشمه دارد، حکومت ها خود موجهات این تحول انقلابی را پیش پای طبقه کارگر می گذارند.

### ناوضائی و اعتراض دوشهریانی

آبادیه باش کلیه نیروهای مسلح از آغاز اعتصابات وسیع و تظاهرات دانشمند دار در سراسر کشور همچنان ادامه دارد. هروز اکبب های جداگانه در ادارات و سازمان های نیروهای مسلح از پایان وقت ادارات حدود ۱۰ شب به عنوان آماده باش به بر می رسند. دانشه بهت و گفتگو میان نظامیان در بر ساراه اعتصابات گسترده مردم برای تا مین حداقل زدگی با لگرفته است. در سراسر مدت آماده باش نظامیان به ویژه افسران جوان و درجه داران اذیت شکست با خود حرف می زنند و آرزوی گسسته گشتن از جای کار در ارتش، حتی یک کارمندا کارگرساده می بودند. بر اساس همین گزارش ها، اعتراضات بهیاب در میان گذار پائین ارتش نسبت به افزایش هزینه های زندگی و دروفه رادری های فراموشان در ساراه بهر دوفوری اوضاع در آینه نزدیک، کار با جایی روانه که به رسوایی رئیس شهربانی کشورم کشیده است. ما چرا این فرار است که بی ازوفه بالا رفتن یک پاسان ارتش را ن در " میدان بهارستان برای اعتراض به وضع زندگی اش ملاحظه اورا سه کمیته می بوند و به جای رسیدگی به وضع احوالی گشتن می زنند. روز بعد خبر در شهربانی می پیچد و زمره اعتراض ها با لانی گهر، مداعلات خبرا به اطلاع رئیس شهربانی کشور (صدا با سبور - جلا د معروف و همدست شهربانی) می رسد و توسط می کشد که محتما یک جلسه توجیهی برگزار شود تا کار اعتراض به خراب شدن روحیه پرسنل کشد. جلسه صبح فردا در سراسر اجل شهربانی کشور با حضور مدعا ما مور (درجه دار) برگزار می شود. صدا با سبور طبقه اول وعده و وعید را شروع می کند و از بهبود وضع زندگی و افزایش حقوق درجه داران داد می دهد. اما نشا تشنه فریاد می زند: دروفه، دروفه، بقدر وعده پشتونیم. وضع ما از کارمندان اعتباری هم بدتر است. کار به جایی می رسد که کنترل مصلحا درجه دار مختصر غیر مکتبی می شود و مقامات دور و بر رئیس شهربانی چاره رادری می بینند که جنبه شمسار را از در بنلی خارج کنند!

### خودگشتی یک پاسان

فارقا قلی، پاسان شهربانی کرج، در محوطه شهربانی با ضقت فرستد به خودگشتی زد، روی که به علت جهات شدید در سارستان بختی زد، طوسی بنا به ای علت خودگشتی را فرستد و بی توجهی بقا مات شهربانی به خواست های بن عنوان کرده است.

### ارتش آمریکا در ایران

یک کارشناس فرانسوی متخصص موشک های زمین به زمین ضمن صحبت در تاکسی با فارسی لجه دار خود می گفت: "اطلا ارتش ایران جز ارتش آمریکا است. در با دگانی که من هشت صبح هوا اول پرچم آمریکا بالایی رود و بعد پرچم ایران!"

**رزم مشترک**

همراه سورفیک؛ شما همان به درد! کاین درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمی شود! دشوار زندگی، هرگز برای ما، بی رزم مشترک! آن نمی شود! شما ساربه درد! همراه شو رفیق! (برزین آذر مهر)

رفقا که کارگو برادران زمینگشتان شهروروستا؛ نبرد گسترده اعتصابی صنفی و اقتصادی خود را به اعتصابات گسترده سیاسی با شعار لافو کفوست نظامی و آزادی زندانیان سیاسی فرارویانید. برای تفکر در سندیگاها، اتحادیه ها و شورای متحد اتحادیه های واقعی و بیگانه ره میبازرزه کنید! با ایجاد دسته های صنفی انقلابی در هر کارخانه و واحد کار با حزب خود ایران، حزب طبقه کارگر ایران ارتعاب برقرار کنید!

## برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!